



ظهور دیپلماسی طالبان

بخش دوم و پایانی

لایه سوم: برچیدن «فتوای دینی» طالبان
این یک لایه مهم استراتژی اشرف غنی است، چون دین به جنگ مداوم طالبان انگیزه می‌دهد. این دین و دعوت به جهاد است که به استخدام تازه‌ی سربازها برای طالبان کمک می‌کند و برای جمع‌آوری کمک ارزشمند است. حکومت افغانستان دعوت دینی طالبان به جنگ علیه «اشغال خارجی» را رد می‌کند، اما اهمیت و قدرت چنین فتوای دینی را برای ادامه‌ی...

صفحه ۲

یادداشت روز

شما هم هوشیار باشید!

مناسبات قومی و تنش‌های قومیت‌محور و -در پاره‌یی از مواقع- مذهبی‌محور، زمینه‌ی اصلی فعالیت‌های طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی در افغانستان را می‌سازد. وضعیت تنش‌آلود قومی و بی‌اعتمادی میان ملیت‌ها و روابط نسبتاً تخاصم‌آمیز در جریان چند دهه‌ی اخیر، وضعیتی را به‌وجود آورده است که نیروهای رادیکال مذهبی و گروه‌های تروریستی با تکیه بر آن، فعالیت‌های‌شان را سامان می‌دهند و از این منظر به موفقیت‌های چشمگیر و نگران‌کننده‌ی دست یافته‌اند. طالبان در ابتدای شکل‌گیری نیز دو رویکرد ناهمسانی در برخورد با اقوام افغانستان را در پیش گرفتند؛ در قندهار دزدان و ملیشه‌های مسلح نسبتاً بدنام را تحت فشار قرار داد و در شمالی و بامیان به سیاست زمین‌سوخته و کشتار عمومی شهروندان پرداخت. در وضعیت تنش‌آلود قومی به‌رغم سرکوب‌های وحشیانه‌ی مردم در جنوب و شرق کشور، سیاست‌های سرکوب‌گر و وحشت‌آلود طالبان در مناطق مرکزی و شمالی به شناسه‌ی اصلی این گروه تبدیل شد.

در سال‌های اخیر نیز تمامی گروه‌های بنیادگرا و تروریستی تلاش ورزیده‌اند تا با استمرار این وضعیت، کماکان اهداف‌شان را دنبال کنند. کشتار هزاره‌ها در سال‌های گذشته در شاهراه قندهار، در مسیرهای غزنی و کابل-بامیان، در ولایت بلخ و سرانجام سه حمله‌ی هولناک به تجمع عزاداران شیعه‌مذهب در زیارت سخی کابل، شهر مزار شریف و مسجد باقرالعلوم، نشان می‌دهد که این گروه‌ها با هر نام و عنوانی، در پی تحریک تنش‌های مذهبی و تشدید کشمکش‌های قومی است...

ادامه در صفحه ۲

هشت کارگر معدن در راه‌بغلان تیرباران شدند

معاون رییس جمهور: بیدار باشید!

صفحه ۲

شب‌چی در حال گشت و گذار؟

گمان می‌رفت که عصر وحشت و قساوتی که توجیهش را از باور قومی و نژادی می‌گیرد، سپری شده است. سال‌های سیاه و تلخ برتری‌خواهی نژادی که کشتار و نابودی انسان‌ها را مشروع می‌ساخت، هزینه‌ی سنگینی بر زندگی آن‌ها گذاشت. شتاب و هیجانی که در پشت این رویه قرار داشت، نژادگرایی را تبدیل به خطری اجتناب‌ناپذیر ساخته بود و به همان اندازه نیز مهلک...

صفحه ۵

روزگار سیاه‌قانون در افغانستان

هفته‌ی گذشته دولت از روز قانون اساسی در کشور تجلیل کرد. این اقدام دولت واکنش‌های گسترده‌ی را در شبکه‌های اجتماعی و در فضای عمومی جامعه برانگیخت. بسیاری‌ها این اقدام دولت را سمبولیک خواندند و نسبت به نقض گسترده‌ی قوانین در کشور شکایت کردند. قانون اساسی موجود افغانستان در ۱۴ جدی سال ۱۳۹۲ تصویب...

صفحه ۳

سریعترین اینترنت 3.75G+ بهترین قیمت

10GB

در بدل 1100 افغانی

برای اشتراک: 10GB را به 151 ارسال نمایید



… برای ساختن این وضعیت و رسیدن به این هدف، هزاره‌ها، آماج اصلی حملات گروه‌های تروریستی است. به این دلیل که هزاره‌ها اولاً به‌لحاظ قومی غیر از پشتون‌ها، تاجیک‌ها و ازبیک‌هایند و دودگر، عمدتاً شیعه‌مذهب‌اند. تفاوت قومی و مذهبی دو بستر اصلی برای برافروختن تنش‌های فرقه‌یی است و از این منظر هزاره‌ها باید آن‌قدر مورد کشتار و حملات وحشیانه قرار بگیرند تا به این فهم برسند که عملاً آماج یک جنگ فرقه‌یی قرار دارند. کشته شدن ۸ کارگر معدن زغال‌سنگ در مسیر بغلان-پامیان نیز ریشه در این هدف دارد. از این منظر، ۸ مسافر بی‌پناه و بی‌دفاع که همه هزاره بودند، قربانی یک هدف بزرگتر شدند: اجساد بی‌جان آن‌ها می‌باید در شعله‌ور شدن آتش تنش فرقه‌یی کمک کند.
معاون دوم ریاست‌جمهوری، آقای سرور دانش، نیز در واکنش به این جنایت هولناک، آن را تلاشی برای شکست همبستگی و وحدت مردم افغانستان عنوان کرده و از مردم و نیروهای امنیتی خواسته است که «هوشیار» باشند. با این‌حال، نشانه‌های زیادی وجود دارد که تأیید کند، صرفاً هوشیاری مردم یا نیروهای امنیتی کافی نیست؛ اگر حکومت «بیدار» شود و با درایت و هوشیاری این حوادث را دنبال نکند، قطعاً شاهد حوادث فاجعه‌بارتری خواهیم بود. درست است که قربانیان فوری این توطئه، شهروندان عادی و بی‌دفاع‌اند، چه این‌که کشتار آن‌ها با هیچ هزینه و زحمتی همراه نیست؛ اما آماج اصلی این کشتار و حوادث وحشیانه‌ی دیگر، فروپاشی دولت افغانستان است. منطق اصلی وجود نظام سیاسی و دولت کنونی، حمایت مردم است و فروپاشی اصناف مردم در قاعده‌ی آن، نقطه‌ی اتکابی برای دولت نیز باقی نمی‌گذارد. به عبارت صریح‌تر، جنگ اصلی میان نیروهای برانداز (با گرایش‌های رادیکال مذهبی و سیاسی) و دولت است. دولت در کل و حکومت به‌صورت خاص، یک طرف این منازعه است و به همین خاطر می‌باید در برابر هر قطره خونی که از شهروندانش بر زمین می‌ریزد، پاسخگو باشد.

حکومت تا این‌جای کار نبرد را به گروه‌های تروریستی و برانداز باخته است. آن‌ها بیش از هرزمانی در ایجاد تردید در میان شهروندان نسبت به صداقت و تعهد دولت در قبال تأمین امنیت و تضمین حق حیات‌شان، موفق بوده‌اند. بدگمانی و عدم اطمینان می‌تواند در نهایت منجر به ایجاد فاصله‌ی جدی میان شهروندان و دولت شود. اگر چنین وضعیتی اتفاق بیفتد، قطعاً مدیریت آن در توان حکومت نخواهد بود. ساده‌لوحانه است اگر بپنداریم که مردم با «همدردی کلامی» رهبران سیاسی و مسئولان دولتی، از برابر این حوادث به‌راحتی می‌گذرند. برای خانواده‌هایی که اجساد قربانیان‌شان را بر دوش می‌کشند، مسأله هولناک‌تر و عینی‌تر از آن چیزی است که-در مثل- معاون ریاست‌جمهوری یا رییس‌جمهور درک می‌کنند. خانواده‌های قربانیان با اجساد بی‌جان و تن‌های خون‌آلود روبه‌رویند. آن‌ها ناگزیربانه به تماشای کسانی نشسته‌اند که حتا مرگ و عدم آن‌ها به این زودی و با این اندازه از قساوت و بی‌رحمی در خیال‌شان هم نمی‌گنجد. برای کسی که پدرش را از دست داده، تیرباران مسافران در مسیر تاله و برفک، نه به معنای «تلاش دشمنان کوردل افغانستان برای ایجاد تفرقه میان ملت یک‌پارچه و هوشیار کشور» که به معنای «بی‌پدر» شدن است؛ به همین اندازه دردناک و کواته.

تاله و برفک همین امروز یا دیروز محل رفت‌وآمد طالبان نبوده است. در ماه میزان امسال دو روز طالبان کنترل مرکز این ولسوالی را در دست داشتند. بسیاری از مناطق ولایت بغلان عملاً تحت کنترل طالبان است و یا دست‌کم طالبان در برخی از مناطق آن سنگرهای مستحکم و محل رفت‌وآمد امن دارند. دست‌کم یک‌بار نیروهای امنیتی تلاش کرد که طالبان را از این مناطق بیرون براند، اما با پایان جنگ دوباره طالبان متواری به همان مناطق بازگشتند. دندغوری و دند شهاب‌الدین کماکان محل تجمع این گروه است. آن‌ها هرگز دوست ندارند منطقه‌ی استراتژیکی مانند بغلان را در جوار قندز از دست بدهند. افزون بر آن، گزارشگران محلی می‌گویند که برخی فرماندهان حزب اسلامی در کار توزیع اسلحه و غضب زمین‌اند. این وضعیت نیازمند دخالت نیرومند نیروهای امنیتی و سرکوب طالبان است. بیش از همه، درک این وضعیت نیازمند هوشیاری است، هوشیاری‌یی که به ما کمک می‌کند، از یک‌طرف در دام بدگمانی‌ها و تنش‌های فرقه‌یی نیفتیم و از طرفی دیگر نظاره‌گر کرخت این وضعیت نباشیم و در خلق بی‌اعتمادی، به‌صورت غیر مستقیم، همدست طالبان و گروه‌های تروریستی نشویم.

هشت کارگر معدن در راه‌بغلان تیرباران شدند! معاون رییس جمهور: بیدار باشید!

ولایت بغلان را به گلوله بستند. در این تیراندازی هشت نفر کشته و سه نفر زخمی شدند. نخستین گزارش‌ها حاکی بود که ۱۳ نفر در تیراندازی کشته شدند. همه‌ی این افراد باشندگان ولایت دایکندی و شیعه‌مذهب بودند که هنگام رفتن از بغلان به سمت پامیان به‌دست افراد مسلح افتادند. تاکنون هیچ گروهی مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است. گروه طالبان اعلام کرده است که این رویداد کار این گروه نیست. اما قبلاً شماری از مسئولان محلی ولایت بغلان گفته بود که افراد داعش این افراد را تیرباران کرده‌اند.

محمد محقق: افغانستان به سوی جنگ‌های فرقه‌یی نخواهد رفت

محمد محقق، معاون دوم ریاست اجراییه دبروز در نشست خبری رویداد بغلان را محکوم و این حادثه را تراژیک و هولناک خوانده و گفت کشته‌شده‌ها غیرنظامیان و افراد بی‌دفاع بودند که از ده سال بدین‌سو در معادن زغال‌سنگ مصروف کار بودند. آقای محقق عاملان رویداد را به گروه‌های تکفیری نسبت داد و گفت: «گروه‌های تکفیری‌یی که باعث خلق این رویداد هولناک شده‌اند، مسائل اعتقادی و فکری را وسیله‌ی جنجال‌های سیاسی قرار داده و به‌هدف ایجاد جنگ‌های فرقه‌یی در کشور فعالیت می‌کنند.»

معاون دوم ریاست اجراییه تأکید کرد که مردم افغانستان سابقه‌ی طولانی همسنگری را در برابر دشمنان افغانستان داشته و هیچگاه شکار این گونه «دسیسه‌ها و توطئه‌ها» نخواهند شد. او گفت: «مردم افغانستان برای دفاع از کشور استوار و محکم ایستاده‌اند و اطمینان دارند که افغانستان به سوی جنگ‌های فرقه‌یی نخواهند رفت.»

در یک سال اخیر در چندین رویداد، افراد از قوم و مذهب مشخص هدف قرار گرفته‌اند که باعث نگرانی در مورد آغاز جنگ‌های فرقه‌یی در افغانستان شده است.

امضای قرار داد ساخت کارخانه‌ی موادپیش‌ساخت ساختمانی میان وزارت شهرسازی و یک شرکت ترکی

وزیر شهرسازی هدف از ایجاد این فابریکه را احیای مجدد تصدی ساختمان‌سازی خوانده که به گفته‌ی او، زمینه‌ی توسعه‌ی صنعت ساختمانی، تسریع روند عملی ساخت‌وساز، بلند بردن کیفیت مواد ساختمانی و کاهش قیمت مسکن و ایجاد زمینه‌های اشتغال برای صدها تن شهروندان را فراهم می‌نماید.

آقای نادری نمونه آورد که در گذشته ساخت یک مکتب ۱۰ تا ۱۲ ماه را در بر می‌گرفت، اما با استفاده از صنعت ساختمان پیش‌ساخت، ساخت یک مکتب با هزینه‌ی کم و وقت اندک تقریباً طی دو تا چهار هفته ساخته خواهد شد.

نادری همچنان خیر داد که در این اواخر شماری از شرکت‌ها ابراز آمادگی کرده‌اند تا در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند و اخیراً یک شرکت چینیایی حاضر شده است تا مبلغ ۲۰ میلیون دالر در بخش صنعت ساختمان پیش‌ساخت سرمایه‌گذاری کند. ارهان گونر، رییس شرکت بین‌المللی ساختمانی «ویفا» که این قرارداد امضا کرده، گفت که خوشحال است که برای نخستین بار این صنعت در افغانستان ایجاد می‌شود. به گفته‌ی او، شرکت «ویفا» در بیش از صد کشور مختلف جهان در بخش ساختمان‌های پیش‌ساخت کار کرده است.

معاون وزارت خارجه‌ی امریکابامقام‌های افغان در کابل دیدار کرد

رییس‌جمهور اوپاما به‌خاطر تمدید حضور نیروهای آن کشور در افغانستان، قدردانی کرده است. غنی افزوده که مناسبات دوستانه‌ی افغانستان را با دولت جدید امریکا منحبث شریک بنیادی بین‌المللی، گسترش خواهد داد.

در خبرنامه آمده که «رییس‌جمهور غنی به‌خاطر دفع تروریسم که خطر مشترک برای امنیت و ثبات منطقه و جهان می‌باشد، مبارزه‌ی مشترک افغانستان و شرکای بین‌المللی را بر علیه این پدیده، حتمی دانست.»

براساس خبرنامه‌ی ارگ، معاون سیاسی وزارت خارجه‌ی امریکا از دلبری نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان در امر مبارزه با تروریسم و همچنان اقدامات حکومت افغانستان در زمینه‌ی حکومتداری خوب، اصلاحات، تطبیق پروژه‌های ملی، حقوق زنان و دادن سهم بیشتر به آنان، ستایش کرده است.

فعالان مدنی زون شرق کشور: قطع درخت را متوقف کنید

اطلاعات روز: شماری از فعالان مدنی در زون شرق کشور، از مسئولان حکومت مرکزی می‌خواهند تا مانع روند قطع جنگلات در این زون به‌ویژه در ولایت کنر شوند.

فعالان مدنی، دیروز (شنبه، ۱۸ جدی) با تجمع در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، گفتند که قطع جنگلات در ولایت کنر از چندین سال به این سو جریان دارد و در قطع درختان و قاچاق چوب، افزون بر مسئولان اداره‌ی محلی، شماری از اعضای شورای ملی و ولایتی این ولایت نیز دست دارند. ادریس غروال، یک فعال مدنی ننگرهار گفته است فیصله‌ی جدید حکومت زمینه‌ی از بین بردن منابع طبیعی را برای قاچاقبران چوب بیشتر از پیش فراهم کرده است، ، قبلاً والی کنر گفته بود که استفاده از چوب این ولایت به هدف ساخت وسایل تزئینی در نشست شورای اقتصاد وزیران، به ریاست عبدالله

عبدالله، رییس اجراییه مجاز دانسته شده‌است.

فعالان مدنی گفته‌اند که این فیصله زمینه‌ی قاچاق و قطع منابع طبیعی و درختان در کنر را افزایش داده‌است.

گلاب منگل، والی ننگرهار، که در گردهمایی اعتراضی فعالان مدنی این ولایت شرکت داشت، متعهد شده است که خواست و صدای فعالان مدنی ننگرهار را به‌گوش مسئولان حکومتی می‌رساند.

با این‌حال منیره یوسفزاده، سخن‌گوی اداره‌ی مستقل ارگان‌های محلی خطاب به خبرنگاران محترم و فعالان مدنی در صفحه‌ی فیس‌بوک خود نوشته عکس‌هایی که ظاهراً نشان‌دهنده‌ی قطع جنگلات در ولایت کنر است، عکس‌های چندین سال پیش می‌باشد و جدید نیست.

خانم یوسفزاده نوشته: «این عکس‌ها برای تغییر دادن ذهنیت مردم علیه اداره‌ی محلی نشر شده است.» او گفته که مسئولان محلی تقریباً از یک سال بدین‌سو، به‌صورت جدی با قاچاقبران چوب و تخریب‌کنندگان محیط زیست، مبارزه می‌کنند.

در خواست استیضاح وزیر دفاع از سوی مجلس رد شد

اطلاعات روز: هفته‌ی گذشته شماری از نمایندگان مجلس با امضای فرم استیضاح وزیر دفاع ملی از هیأت اداری مجلس خواسته بودند که عبدالله حبیبی را استیضاح کند، اما این درخواست به‌دلیل احتمال سوء‌استفاده‌ی شماری از نمایندگان متقاضی، از سوی مجلس رد شد.

شماری از نمایندگان، آقای حبیبی را به عدم مدیریت درست نیروهای ارتش متهم کرده و خواستار استیضاح او شده بودند.

اما عبدالرؤف ابراهیمی، رییس مجلس در نشست عمومی دیروز (شنبه، ۱۸ جدی) گفت هیأت اداری مجلس دریافته که فورم استیضاح وزیر دفاع برخلاف اصول وظایف داخلی مجلس از سوی نمایندگان خانه‌به‌خانه برده شده و «به همین دلیل درخواست استیضاح وزیر دفاع ملی از سوی مجلس رد است.»

آقای ابراهیمی افزود که تصمیم رد استیضاح وزیر دفاع ملی بر اساس احترام به اصول وظایف داخلی مجلس گرفته شده است.

شماری از نمایندگان مدعی‌اند که در جمع‌آوری امضا برای استیضاح وزیر دفاع، اصول وظایف داخلی مجلس زیر پا شده است.

کمال ناصر اصولی، یک عضو مجلس در نشست چهارشنبه مدعی شد که نمایندگان متقاضی استیضاح تا دو ماه فرم استیضاح وزیر دفاع را در پیش خود نگه داشته و از این طریق وزیر دفاع را تهدید می‌کرده‌اند که «زمین‌های این وزارت را به آنان واگذار کند.»

به گفته‌ی آقای اصولی، برخی نمایندگان به‌خاطر غضب زمین می‌خواهند وزیر دفاع را به استیضاح برابر کنند.

در ماده ۱۰۲ اصول وظایف داخلی مجلس آمده است که متقاضیان استیضاح می‌توانند فرم استیضاح را از دبیرخانه‌ی مجلس دریافت کنند و در مدت پنج روز کاری آن را تکمیل و دوباره به هیأت اداری بسپارند. براساس این ماده، روش جمع‌آوری امضا هم طوری است که فورم بر روی میز هیأت اداری گذاشته می‌شود و هیچ نماینده‌ی متقاضی حق ندارد آن را پیش خود نگهدارد.

برخی نمایندگان دیگر استیضاح وزیر دفاع را در شرایط کنونی به نفع کشور نمی‌دانند و به این باوراند که این مسأله روحیه‌ی جنگی سربازان ارتش را تضعیف می‌کند.

خبرنگار ناراضی

کمیسیون... یاب!

افراد مسلح ناشناس ۸ معدنچی را در ولایت بغلان کشته‌اند.

طالبان گفته این کار ما نیست. ما معدنچی مردم را نمی‌کشیم. این حتماً کار اربکی‌ها است که مربوط اداره‌ی کابل می‌شود. مقامات محلی گفته‌اند که کار داعش است. داعش هم که مسئولیت این حمله را به دوش نگرفته. معلوم نیست چه گروهی این قتل دسته‌جمعی را انجام داده است.

این معلوم نبودن کمر حکومت را شکسته است. مقامات حکومتی گیج شده، نمی‌فهمند چه گروهی را از دایره‌ی اسلام خارج کنند و آن‌ها را تقبیح بفرمایند. یکی می‌گوید کار تکفیری‌هاست. کی تکفیری است؟ معلوم نیست. شاید لشکر طیب، شاید لشکر جهنگوی، شاید گروه‌های تروریستی که ریشه در آسیای میانه دارند، شاید هم داعش. یکی می‌گوید نباید این قدر عجله کنیم. شاید هیچ‌کدام این گروه‌ها تکفیری نباشد. ما که تحقیق نکرده‌ایم کدام‌شان تکفیری است و کدام‌شان نه. دیگری در فیس‌بوک خود نوشته است که حتماً کار تروریستان است. آن‌ها می‌خواهند اقوام باهم برادر افغانستان به جان هم بیافتند و دندان‌های خویش را در جان یکدیگر فرو کنند، گوشت بکنند و آن را تُف کرده، دوباره فرو کنند، دوباره گوشت بکنند و دوباره تُف کنند، تا که دندان‌های‌شان شل شود. اما تروریستان کور خوانده‌اند، ما حتا اگر به جان هم بیافتیم، گوشت هم را با دندان نمی‌بریم و تُف نمی‌کنیم. خداوند چاقو و کارد و برچه را برای چه آفریده. به هر صورت، کشتن دسته‌جمعی کارمندان بی‌گناه در ولسوالی تاله و برفک، اصلاً کار خوب نیست. یک مصیبت است. ما این مصیبت را به نمایندگی از تمام حکومت، برای خانواده‌های عزیزان شهید خویش تسلیت عرض می‌کنیم. خداوند دایکندی برین را جای آن‌ها بگرداند. در همین حال یک مقام دیگر که حتا هزاره هم نیست از این کار جگرخون شده و گفته که دشمنان ملت افغانستان در پی ایجاد نفاق‌اند. این وظیفه‌ی ماست که به خواسته‌ی آن‌ها نه بگوییم و بگذاریم که هر روز کشته و زخمی شویم اما اجازه ندهیم آن‌ها به اهداف شوم خویش برسند.

خلاصه از بس هیچ کس نمی‌فهمد که قاتل کیست، خود مهاجمان مسلح هم در تماسی به یک رادیو گیج شده و یادشان رفته. به همین منظور، حکومت وحدت ملی یک کمیسیون... یاب تشکیل داده. یکی از سخنگویان حکومت در تماس با رسانه‌ها گفت: «تروریستانی که این کار را کرده، بسیار بی‌رحم‌تر از دیگر تروریستان‌اند. قانون تروریستان‌تیزیم به ما می‌گوید: «هر گروهی که شهروندان افغانستان را می‌کشد، باید مسئولیت آن را به عهده بگیرد». در غیر آن هم مردم گیج می‌شوند هم مقامات. بناءً ما دقیق گفته نمی‌توانیم که کار کدام گروه است. اما منافع ملی ایجاب می‌کند که بگوییم کار داعش بوده است.» اما سخنگوی دیگری که از این سخنگوی بی‌خبر بود و فیس‌بوک او را چک نکرده بود، به رسانه‌ها گفت: «موضع حکومت تغییر نمی‌کند. این بار هشت نفر کشته شده، بار دیگر شاید ۳۰ نفر کشته شوند. کسی چه می‌داند. حکومت وحدت ملی هم‌چنان کاسه‌ی صلح را پیش تروریستان می‌گذارد تا آش دوستی و برادری را از آن بردارند و بخورند.» به هر حال، این کمیسیون تشکیل شده. چون هنوز فیصله نشده که این کمیسیون چه کار کنند، نام آن را کمیسیون... یاب گذاشته‌اند. از بهر احتیاط.

روزگار سیاه قانون در افغانستان

قدرت‌الله احمدی



حاکم را نسبت به قانون شکل می‌دهند. قانون فی‌نفسه هرچند پیشینه‌ی بلند تاریخی دارد و سابقه‌ی آن به تمدن‌های باستان برمی‌گردد، اما محتوای آن با محتوای قوانین جدید کاملاً متفاوت است. قانون‌مداری، پذیرش قانون و برابری همه‌ی آحاد جامعه در پیشگاه قانون، پدیده‌ی مدرنی است که ریشه در رنسانس و اصلاحات مذهبی و سیاسی در مغرب زمین دارد. در فرهنگ سنتی اساساً چنین فهمی از قانون وجود ندارد. در فرهنگ سنتی برابری افراد در برابر قانون منتفی است و استبداد سیاسی در جوامع سنتی، برخورد دوگانه با قانون را عینیت بخشیده است. در افغانستان مساله‌ی قانون‌گریزی دقیقاً از همین جا ناشی می‌شود. نگاه دوگانه نسبت به قانون، فهم سنتی از آن و برتری افراد به‌خصوص گروه حاکمه بر قانون در ضمیر انسان افغانی هنوز زنده است و در بسا موارد قانون باید مطابق با میل برخی افراد و منافع آنان عملی شود.

عادی‌پنداری نقض قوانین: در حالی که قانون به‌شکل گسترده از سوی مسئولین و مردم نقض می‌شوند، هیچ اعتنایی به این مساله نمی‌شود. در کشور اعلام می‌شود که «در طول چند سال از مجموع ده‌ها ماده‌ی قانون اساسی، تنها یک ماده‌ی آن نقض نگردیده و متباقی همه نقض شده‌اند.» این خبر هیچ تکانه‌ی ایجاد نمی‌کند و هیچ واکنشی را بر نمی‌انگیزد، گویا هیچ اتفاقی نیافتاده است و آب از آب تکان نخورده است. این اوج بی‌اعتنایی به نقض گسترده‌ی قوانین در کشور می‌باشد. بدون شک این عادی‌پنداری نقض قوانین، تاثیر مهمی بر عملکرد افراد و مواجهه‌ی آنان با قوانین دارد. چنین درکی البته ناشی از فرهنگ سنتی و استبدادی و همچنین عدم درک کافی از اهمیت قانون در ایجاد نظم و به‌کارگیری آن در مناسبات روزمره است. از نظر بسیاری‌ها، عادی‌پنداری این مساله و امتناع از پذیرش آن به‌مثابه‌ی یک مساله‌ی اجتماعی جدی‌تر از خود نقض قانون در جامعه می‌باشد. نقض قانون اگر به‌مثابه‌ی یک مساله‌ی جدی در جامعه درک شود، امیدی برای حل آن وجود دارد. اما زمانی که همه نقض قوانین را یک امر عادی تلقی می‌کنند، مقابله با آن کار بسیار دشواری است.

در افغانستان به‌مثابه‌ی یک عنصر دست‌وپا گیر و اغلب در خدمت طبقه‌ی حاکم جامعه در نظر گرفته می‌شود. چنین درکی از قانون، پیروی از آن را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد و نمی‌گذارد مردم به‌شکل خودانگیزه در برابر الزامات قانونی تن دهند.

قانون در دنیای امروز عامل اصلی نظم اجتماعی و ثبات سیاسی پنداشته می‌شود. البته این امر به خودی‌خود محقق نمی‌شود، بلکه باید الزامات قانونی در جامعه حاکم باشند و مردم از آن تبعیت کنند. حاکمیت قانون زمانی است که مردم بپذیرند قانون را در همه‌ی عرصه‌های زندگی خود رعایت کنند.

فرهنگ سنتی و تاریخ استبدادی: یکی از دلایل اصلی نقض گسترده‌ی قانون در افغانستان وجود فرهنگ سنتی و پیشینه‌ی تاریخی استبدادی در کشور می‌باشد. این دو فاکتور نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند و نگرش جامعه و طبقه‌ی

در حالی که قانون به‌شکل گسترده از سوی مسئولین و مردم نقض می‌شوند، هیچ اعتنایی به این مساله نمی‌شود. در کشور اعلام می‌شود که «در طول چند سال از مجموع ده‌ها ماده‌ی قانون اساسی، تنها یک ماده‌ی آن نقض نگردیده و متباقی همه نقض شده‌اند.» این خبر هیچ تکانه‌ی ایجاد نمی‌کند و هیچ واکنشی را بر نمی‌انگیزد، گویا هیچ اتفاقی نیافتاده است و آب از آب تکان نخورده است. این اوج بی‌اعتنایی به نقض گسترده‌ی قوانین در کشور می‌باشد. بدون شک این عادی‌پنداری نقض قوانین، تاثیر مهمی بر عملکرد افراد و مواجهه‌ی آنان با قوانین دارد. چنین درکی البته ناشی از فرهنگ سنتی و استبدادی و همچنین عدم درک کافی از اهمیت قانون در ایجاد نظم و به‌کارگیری آن در مناسبات روزمره است.

هفته‌ی گذشته دولت از روز قانون اساسی در کشور تجلیل کرد. این اقدام دولت واکنش‌های گسترده‌ی را در شبکه‌های اجتماعی و در فضای عمومی جامعه برانگیخت. بسیاری‌ها این اقدام دولت را سمبولیک خواندند و نسبت به نقض گسترده‌ی قوانین در کشور شکایت کردند.

قانون اساسی موجود افغانستان در ۱۴ جدی سال ۱۳۹۲ تصویب شده است. این هفتمین قانون اساسی کشور است که در کمتر از یک قرن به تصویب رسیده است. دولت در حالی از روز قانون اساسی تجلیل کرد که این قانون به شکل گسترده نقض می‌شود. چندی قبل خانه‌ی آزادی افغانستان گزارشی را منتشر کرده بود که بر اساس آن در طول بیش از یک دهه‌ی گذشته، تنها یک ماده‌ی قانون اساسی نقض نشده و متباقی همه از سوی دولت، گروه‌های سیاسی و مردم نقض شده‌اند. عامل اصلی نقض قانون دولت شناخته می‌شود. سرور دانش معاون دوم ریاست‌جمهوری چندی قبل در معرفی اعضای کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی در پارلمان کشور گفته بود که از میان قوای ثلاثه‌ی دولت، قوه‌ی مجریه بیش از همه قوانین را نقض کرده است. قوای مقننه و قضائیه نیز از این امر متناهی نیستند و مصداق‌های گسترده‌ی نقض قانون توسط این دو قوه نیز به ثبت رسیده است. در سطوح پایین‌تر، مردم نیز به‌شکل گسترده به نقض قوانین می‌پردازند. قوانین فرعی و موضوعی که در زندگی هر روزه به کار گرفته می‌شوند، خیلی به‌ندرت مورد تطبیق قرار می‌گیرند. تخطی از قانون و نادیده گرفتن آن از سوی مردم به همان میزانی است که در سطوح بالای جامعه وجود دارد. برای تحلیل این مساله دیدگاه‌های زیادی وجود دارد و هرکس برحسب زمینه‌های تخصصی خود به امر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی پرداخته است. از مجموع این دیدگاه‌ها چند نکته در مورد افغانستان قابل بحث است.

عدم درک کافی از اهمیت قانون: مهم‌ترین مساله در افغانستان این است که درک کافی از قانون وجود ندارد. بخش عمده‌ی مردم آگاهی لازم را نسبت به اهمیت قانون در ایجاد نظم در جامعه ندارند. قانون که در جوامع مدرن مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده‌ی مناسبات اجتماعی و سیاسی است و نقش مهمی در ایجاد نظم و ثبات ایفا می‌کند،

لایه‌ی سوم: برچیدن «فتوای دینی» طالبان

این یک لایه‌ی مهم استراتژی اشرف غنی است، چون دین به جنگ مداوم طالبان انگیزه می‌دهد. این دین و دعوت به جهاد است که به استخدام تازه‌ی سربازها برای طالبان کمک می‌کند و برای جمع‌آوری کمک ارزشمند است. حکومت افغانستان دعوت دینی طالبان به جنگ علیه «اشغال خارجی» را رد می‌کند، اما اهمیت و قدرت چنین فتوای دینی را برای ادامه‌ی جنگ درک می‌کند. بنابراین، با شروع در دوران ریاست‌جمهوری کرزی، کابل تلاش کرده است تا یک کنفرانس بین‌المللی دانشمندان اسلامی را سازمان‌دهی کند که روی جنگ فعلی در افغانستان تمرکز کند. امیدواری این است که دانشمندان مشهور اسلامی این جنگ مداوم را، به‌ویژه در حضور سربازان امریکایی در افغانستان رد کرده و محکوم کنند. با این حال، این تلاش‌ها اکنون موفق شده‌اند. چند ماه قبل، برنامه‌ریزی شده بود که سازمان کشورهای اسلامی خواستار [برگزاری] یک کنفرانس صلح در این مورد در جد، عربستان سعودی، خواهد شد؛ اما پس از عکس‌العمل قوی طالبان این کنفرانس به تعویق افتاد. علاوه بر آن، حکومت افغانستان امیدوار است که توافق صلح آن با حزب اسلامی می‌تواند بر توجیه دینی تداوم جنگ توسط طالبان اثر بگذارد. با این وجود، توافق صلح با حزب اسلامی تاکنون بر طالبان تأثیر زیادی نداشته است.

پاسخ طالبان به چالش اشرف غنی

طالبان در برابر غنی آرام ننشستند. در مقابل، این گروه به تلاش‌های دیپلماتیک و نظامی خودش سرعت بخشید. پاسخ طالبان به امضای موافقت‌نامه‌ی دوجانبه‌ی امنیتی با ایالات متحده و ناتو مرگبار و خونین بود. در دوازده روز پس از امضای این موافقت‌نامه، بیش از ۹ بمب‌گذاری انتحاری و انفجار بمب‌ها کابل را لرزاند (هرچند طالبان مسئولیت همه‌ی این حملات را برعهده نگرفتند. به‌دنبال آن، طالبان فرقی بین حملات بهاری و زمستانی نگذاشتند. این تغییر در تاکتیک‌ها به علت افزایش بی‌پیشینه‌ی تلفات نیروهای امنیتی افغانستان و غیرنظامیان، تصرف ولسوالی‌های جدید به دست طالبان و افزایش عمومی رویدادهای امنیتی تبدیل شد. در جبهه‌ی دیپلماتیک، نمایندگان طالبان به هدف کاهش نفوذ ابتکار عمل‌های غنی از چین، ایران و هم‌چنین برخی از کشورهای آسیای میانه دیدار کردند، جایی که آن‌ها با مقام‌های روسی ملاقات کردند. طالبان هم‌چنین تلاش کردند از پاکستان فرار کنند تا از دستگیری‌ها و فشار از سوی پاکستان جلوگیری کرده باشند. به‌طور مثال، دیدار طیب آغا (رییس پیشین دفتر سیاسی طالبان در قطر) به ایران عمدتاً به این دلیل بود. در همین حال، پس از ظهور داعش و رقابت آن با طالبان، طالبان بیانیه‌های مکرر صادر کردند که ایدیولوژی آن‌ها صرفاً به افغانستان مربوط است. طالبان

که به‌دنبال اطمینان دادن دوباره به همسایه‌های عصبانی بودند، تاکید کردند که آن‌ها کاملاً به سرحدات جغرافیایی و حاکمیت احترام دارند و وعده دادند که افغانستان به محل راه‌اندازی حملات بر کشورهای منطقه تبدیل نخواهد شد. مهم‌تر از همه، به گفته‌ی برخی از منابع، وقتی طالبان با برخی از کشورهای منطقه مانند روسیه، ایران و چین دیدار می‌کنند، رهبران آن اشاره می‌کنند که حضور نظامی امریکا علیه منافع آن‌ها نیز است؛ بنابراین، کشورهای منطقه باید به طالبان کمک کنند. این بحث‌ها در جلب حمایت روس‌ها، ایرانی‌ها و حتا چینی‌ها مناقطی عمل کرده‌اند. وقتی پای حضور سربازان امریکایی در منطقه و برخی از گروه‌های بنیادگرای شورشی که برنامه‌های آن‌ها از مرزهای افغانستان فراتر می‌رود (و طالبان را در افغانستان نیز به چالش می‌کشند)، این کشورها با طالبان منافع مشترک دارند. با این حال، این کشورها تاکنون خودشان را به تماس‌ها با طالبان محدود کرده‌اند؛ آن‌ها هنوز به طالبان کمک نظامی، مالی یا دیپلماتیک نکرده‌اند. اما وقتی پای هدف غنی در برگزاری یک کنفرانس صلح و صدور فتوای دینی در مورد جنگ دوامدار در افغانستان در میان می‌آید، طالبان واکنش قوی نشان داده‌اند. طالبان بیانیه‌ی صادر

ظهور دیپلماسی طالبان

■ دیپلمات/احمد بلال خلیل ■ ترجمه: حمید مهدوی ■ بخش دوم و پایانی



بهبود ببخشند.

ملی با ترکمنستان روابط دوجانبه و نزدیکی را با ترکمنستان دنبال کرده است. هردو طرف به‌دنبال آن‌اند تا یکپارچگی اقتصادی بیشتری داشته باشند و در مورد موافقت‌نامه‌ی خط لوله‌ی تاپی، پیش‌نویس توافق‌نامه‌ی راه لاجورد، را امضا کرده‌اند و یک خط راه‌آهن را بنیاد نهادند. به گفته‌ی منابع متعدد طالبان، وقتی ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند در اواخر سال ۲۰۱۵ موافقت‌نامه‌ی پروژه‌ی تاپی را امضا کردند، شیر محمد عباس استانکزی، رییس فعلی دفتر سیاسی طالبان، در ترکمنستان بود. طالبان توسط طرف ترکمن به خاطر حصول اطمینان برده شده بودند، چون بخش بزرگ این خط لوله را تامین مالی می‌کند و توافق طالبان برای محافظت از این پروژه‌ی چند میلیاردی بسیار ضروری بود. در عوض، طالبان بعداً بیانیه‌ی صادر کردند و قول دادند از پروژه‌های بزرگ ملی و فراملی محافظت خواهند کرد. با ترکمنستان، هم طالبان و هم حکومت افغانستان دلایلی برای خوشحال بودن دارند.

چین

پکن، مانند ترکمنستان، در قبال افغانستان یک سیاست بی‌طرف دارد، اما بیشتر به طرف حکومت افغانستان تمایل دارد. روابط چین-افغانستان در زمان حکومت وحدت ملی دارد آرام‌تر، باثبات‌تر و گسترده‌تر می‌شود. چین، در دوره‌ی غنی، برای نخستین‌بار با کمک نظامی به افغانستان موافقت کرد، هرچند این کمک بیشتر غیرکشنده بود. از سوی دیگر، نمایندگان طالبان افغانستان چندین بار از چین دیدار کرده‌اند و در آن‌جا پروتوکول دیپلماتیک دریافت کرده‌اند. چین دارد از خودش در برابر خسارات در افغانستان محافظت می‌کند، همان‌طور که اغلب در درگیری‌های داخلی دیگر کشورها می‌کند.

ترکیه

رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه، اندکی بعد از شکل‌گیری حکومت وحدت ملی از افغانستان دیدار کرد و اولین رهبر خارجی بود که این کار را کرد. غنی و عبدالرشید دوستم، معاون رییس‌جمهور، نیز بارها از ترکیه دیدار کرده‌اند. ترکیه شریک راهرو ترانزیتی لاجورد در افغانستان است و پیش‌نویس این موافقت‌نامه را نیز امضا کرده است. در عین زمان، ترکیه خانه‌ی برخی از رهبران طالبان نیز است. هرچند ترکیه در افغانستان حضور نظامی دارد، این کشور به‌صورت عموم علیه طالبان نمی‌جنگد. ترکیه هم با طالبان و هم با حکومت افغانستان روابط دارد.

نتیجه‌گیری

این تنها حکومت وحدت ملی در افغانستان نبود که بر طالبان تأثیر گذاشت تا روابطش را با کشورهای منطقه توسعه بدهد. طالبان از زمان تشکیل دفتر سیاسی‌شان در قطر این هدف را داشته‌اند. با این حال، در دوره‌ی ریاست‌جمهوری غنی، روابط طالبان با کشورهای منطقه در حال رشد است و آن‌ها تلاش‌های دیپلماتیک‌شان را تشدید کرده‌اند. دلیل اصلی آن مقابله با ارتباطات منطقه‌ی غنی است؛ با این حال، عوامل دیگری نیز وجود دارد. به‌طور مثال، طالبان به کمک و کمک‌کنندگان تکیه می‌کنند، به‌ویژه از شرق میانه که احتمالاً به‌طور فزاینده‌ی از جنگ دوامدار خسته‌اند. از این رو، وقتی پای اسلحه، تامین مالی و حمایت دیپلماتیک در میان می‌آید، طالبان به‌دنبال حمایت کشورهای منطقه است (به‌طور مثال به‌دنبال شریکانی در شورای امنیت سازمان ملل متحد است تا قطع‌نامه‌ی علیه طالبان را وتو کنند).

طالبان از وضعیت جیوپولیتیکی بهره‌برداری کرده‌اند و اکنون با ایران، روسیه، چین و کشورهای دیگر روابط نسبتاً خوبی دارند. حکومت افغانستان، در مقایسه با طالبان، روابط دوجانبه‌ی بسیار بیشتر دارد، اما این گروه در تخریب تلاش‌های غنی در زمینه‌ی جلب حمایت نظامی و امنیتی برای نیروهای امنیتی افغانستان از کشورهای همسایه تا حدودی موفق بوده‌اند. هند که کمک‌هایش را تشدید کرده است، در این مورد یک استثنا کلان است.

روسیه

جیوپولیتیک می‌تواند شگفتی‌آفرین باشد، مورد نادر و عجیب روابط روسیه با طالبان یک نمونه‌ی اصلی است. ملا عمر، بنیانگذار گروه طالبان، چشمش را در جنگ علیه روس‌ها از دست داد. طالبان هم‌چنین با مخالف مسلح اتحاد شمال مواجه شدند که عمدتاً توسط مسکو حمایت می‌کند که به نوبت خود طالبان را وادار کرد تا چین را به رسمیت بشناسد و به آن‌ها اجازه داد تنها سفارتخانه‌ی‌شان را در افغانستان افتتاح کنند. با این حال، اکنون، پس از ۱۴ سال حضور امریکا در افغانستان، روس‌ها و طالبان بیش از هر زمان دیگری به هم نزدیک می‌شوند. یک عامل که احتمالاً اعتماد روسیه به کابل را کاهش داده است، جنگ حکومت افغانستان علیه داعش است. یک عضو پارلمان افغانستان (و در برخی از موارد حتا امریکایی) حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی را متهم کردند که به داعش در افغانستان که تهدید بالقوه برای روسیه است، در افغانستان اجازه‌ی رشد می‌دهد. در عین زمان، جنگ سرد امریکا با مسکو در سوریه و اوکراین نیز بر روابط مسکو با حکومت تحت حمایت امریکا در افغانستان سایه افکنده است، چیزی که به بهبود روابط طالبان-روسیه منجر شده است.

ایران

غنی، پس از تمایل به طرف عربستان سعودی، در ماه اپریل ۲۰۱۵ از تهران دیدار کرد تا دوباره بین تهران-ریاض توازن ایجاد کند. بعداً عبدالله عبدالله، رییس‌اجرائیه‌ی افغانستان، نیز از ایران دیدار کرد. پس از توافق گروه ۵ به‌علاوه‌ی یک در مورد برنامه‌ی هسته‌ی ایران، افغانستان از بازبودن دروازه‌ی ایران به روی جهانیان استقبال کرد و تلاش‌ها به‌منظور امضای موافقت‌نامه‌ی چابهار با ایران و هند را شدت بخشید. با این حال، با وجود همه‌ی این پیشرفت‌ها، تهران به‌خاطر تهدید ضدشیعه و فزاینده‌ی داعش که قبلاً منافع ایران در سوریه و عراق را تهدید کرده است، با طالبان ارتباط برقرار می‌کند.

ترکمنستان

ترکمنستان، از زمان جنگ داخلی افغانستان، وقتی پای افغانستان در میان می‌آید، یک سیاست بی‌طرف داشته است؛ چیزی که طالبان از آن فدرانسی می‌کنند. با این حال، حکومت وحدت

کردند و نگرانی‌های‌شان را به سازمان کشورهای اسلامی در مورد چنین کنفرانس صلحی بیان کردند. علاوه بر آن، طالبان قبل از کنفرانس‌های وارسا و بروکسل بیانیه‌هایی صادر کرده‌اند که کشورها غربی نباید به حکومت افغانستان کمک نظامی و اقتصادی کنند.

عرض‌اندام دیپلماتیکی فعال‌تر طالبان

طالبان، از طریق کمیسیون سیاسی‌اش و بعداً از طریق دفتر سیاسی‌اش در قطر، تماس‌ها و روابط گسترده‌ی با کشورهای منطقه‌ی و فرامنطقه‌ی مانند آلمان (که راه را برای افتتاح دفتر قطر هموار کرد)، فرانسه، ناروی (از طرف نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل متحد به افغانستان کای آیده)، ایالات متحده‌ی امریکا، چین، روسیه، ایران (ملا اختر محمد منصور، رهبر پیشین طالبان، چند بار از ایران دیدار کرد و طیب آغا، رییس دفتر قطر نیز توسط ایران به یک کنفرانس دعوت شده بود)، روسیه، ترکمنستان، ترکیه و عربستان سعودی برقرار کرد. بسیاری از این کشورها به داشتن ارتباط قوی با کابل و طالبان شناخته شده‌اند.

عربستان سعودی

جالب توجه است که روابط حکومت افغانستان با عربستان سعودی بسیار بهتر از روابط عربستان سعودی با طالبان است. اول، به گفته‌ی یک منبع طالبان، در سال ۲۰۰۹، طیب آغا که در آن زمان رییس کمیسیون سیاسی طالبان بود از عربستان سعودی دیدار کرد و خواستار آن شد که ریاض باید از دفتر سیاسی طالبان میزبانی کند. با این حال، ریاض دو شرط گذاشت: که طالبان روابط‌شان را با القاعده قطع کنند و اعمال آن‌ها را محکوم کنند و هم‌چنین قانون اساسی افغانستان را بپذیرند و در انتخابات افغانستان شرکت کنند. طالبان هردو شرط را رد کردند و از این رو از آن زمان تاکنون روابط سعودی-طالبان هرگز گرم نبوده است. روابط گرم‌شونده‌ی طالبان با ایران، رقیب اصلی عربستان سعودی، نیز بر روابط تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، غنی سه بار از عربستان سعودی دیدار کرده است، بیانیه‌ی در حمایت از سعودی در جنگ‌اش در یمن صادر کرد و بخشی از اتحاد ضدتروریسم عربستان سعودی است. بنابراین، وقتی پای عربستان سعودی به‌میان می‌آید، حکومت افغانستان بر طالبان برتری دارد. با این حال، تهدید داعش و نفوذ فزاینده‌ی ایران در افغانستان می‌تواند یک بار دیگر، بسته به جیوپولیتیک آینده، روابط طالبان - سعودی را

شبهی در حال گشت و گذار؟

■ عمران راتب



اما در افغانستان از وجود عوامل دیگری که به پروبال یافتن حرکت‌های نژادگرایانه یاری می‌رساند، نباید غافل ماند. سیاست‌ورزی ناصواب و منحرف که استفاده جویی و عوام‌فریبی وجه مشخصه‌ی آن است، بیش از هر عامل دیگر به فریب‌شدن باور برتری قومی و نژادی کمک کرده است. ابهام غلیظی که در خصوص وجود یا ناوجود گروه داعش در افغانستان وجود دارد، ناشی از همین سلطه‌ی سیاست‌ورزی ناروا بر کشور است. عامل رخداد اخیر هنوز روشن نیست. اما کسی جز طالب یا پدیده‌ی رازورانه‌ی داعش نخواهد پیدا شد که مسئولیت آن را به گردن بگیرد. در نهایت اما، تغییری در اصل ماجرا به وجود نمی‌آید. شش ماه قبل در قلب پایتخت، در روز روشن بیش از هشتاد نفر کشته شدند و داعش عامل آن معرفی گردید. فکر می‌کنید واکنش‌های رسمی و حکومتی در برابر آن چگونه بوده و چه نتایجی به دنبال داشته است؟ یادآوری این موضوع خجالت‌آور است. وضعیت در این مورد اما، زمانی تراژیک‌تر می‌نماید که کسانی که بر پشت پرده‌های سیاست و امنیت اشراف دارند، دست‌کم به ادعای خودشان، داعش در افغانستان را افسانه‌ی ناروا می‌خوانند. با تمام این‌ها اما، فجایع و کشتاری که نژادگرایی گاه با همراهی بنیادگرایی دینی و گاه به شکل مستقل سبب می‌شود را به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت. حقیقت روشن و واضح این است که زمین برای یک تلخی و افق برای یک تیرگی و تاریکی، به تمامی مساعد و آماده می‌نماید. در سال ۱۹۴۸، نویسندگان مانیفیست کمونیست متن مانیفیست را با این تعبیر استعاری آغاز کرده بودند: «شبهی در اروپا در گشت و گذار است: شبخ کمونیسم».

تغییری در اصل ماجرا به وجود نمی‌آید. شش ماه قبل در قلب پایتخت، در روز روشن بیش از هشتاد نفر کشته شدند و داعش عامل آن معرفی گردید. فکر می‌کنید واکنش‌های رسمی و حکومتی در برابر آن چگونه بوده و چه نتایجی به دنبال داشته است؟ یادآوری این موضوع خجالت‌آور است. وضعیت در این مورد اما، زمانی تراژیک‌تر می‌نماید که کسانی که بر پشت پرده‌های سیاست و امنیت اشراف دارند، دست‌کم به ادعای خودشان، داعش در افغانستان را افسانه‌ی ناروا می‌خوانند. با تمام این‌ها اما، فجایع و کشتاری که نژادگرایی گاه با همراهی بنیادگرایی دینی و گاه به شکل مستقل سبب می‌شود را به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت. حقیقت روشن و واضح این است که زمین برای یک تلخی و افق برای یک تیرگی و تاریکی، به تمامی مساعد و آماده می‌نماید. در سال ۱۹۴۸، نویسندگان مانیفیست کمونیست متن مانیفیست را با این تعبیر استعاری آغاز کرده بودند: «شبهی در اروپا در گشت و گذار است: شبخ کمونیسم».

باشد از مکانی برای قوت گرفتن رویکردی که نتیجه‌ی آن باز تولید تمامیت‌خواهی و قطعیت‌ورزی است. همین دو روز قبل در آخرین مورد، سیزده فرد معدنچی (هشت، طبق برخی گزارش‌ها) در ولایت بغلان به جرم تعلق‌شان به قوم خاصی، توسط «افراد نامعلومی» تیرباران شدند. این مورد و موارد مشابه آن را که لااقل در سال جاری نمونه‌های زیادی برای آن در این کشور می‌توان یافت، نمی‌توان جهت ساده‌سازی مسأله، رخدادهای تک و بی‌ربط به حقیقتی فراگیرتر دانست که قلمرو تأثیرگذاری آن با سرعتی فوق‌العاده رو به گسترش است.

اما در افغانستان از وجود عوامل دیگری که به پروبال یافتن حرکت‌های نژادگرایانه یاری می‌رساند، نباید غافل ماند. سیاست‌ورزی ناصواب و منحرف که استفاده جویی و عوام‌فریبی وجه مشخصه‌ی آن است، بیش از هر عامل دیگر به فریب‌شدن باور برتری قومی و نژادی کمک کرده است. ابهام غلیظی که در خصوص وجود یا ناوجود گروه داعش در افغانستان وجود دارد، ناشی از همین سلطه‌ی سیاست‌ورزی ناروا بر کشور است. عامل رخداد اخیر هنوز روشن نیست. اما کسی جز طالب یا پدیده‌ی رازورانه‌ی داعش نخواهد پیدا شد که مسئولیت آن را به گردن بگیرد. در نهایت اما،

گمان می‌رفت که عصر وحشت و قساوتی که توجیهش را از باور قومی و نژادی می‌گیرد، سپری شده است. سال‌های سیاه و تلخ برتری‌خواهی نژادی که کشتار و نابودی انسان‌ها را مشروع می‌ساخت، هزینه‌ی سنگینی بر زندگی آن‌ها گذاشت. شتاب و هیجانی که در پشت این رویه قرار داشت، نژادگرایی را تبدیل به خطری اجتناب‌ناپذیر ساخته بود و به همان اندازه نیز مهلک تمام شد. لیکن نیروی عاقله با مشاهده‌ی این خطر هلاکت‌بار، ظاهراً قادر به اخذ این نتیجه‌گیری و داوری نیز شده بود که طرد و نفی این رویه از تمام سطوح و شئون زندگی، بهتر از حفظ و تقویت آن است. با این حال اما، اتفاقات و حوادثی که در طی چند سال اخیر در این و آن گوشه‌ی جهان رخ داده‌اند، چندان با این فرض موافق نیست. عدم ترک قطعیت در باورها و موضع‌گیری‌ها، به‌عنوان مستعدترین زمینه جهت پرورش و تقویت دیدگاه‌های نژادگرایانه، کماکان هنوز هم زندگی انسان‌ها را در تسخیر خود دارد. بینشی که نژادگرایی را موجه می‌داند و همراه با نوعی الزام، سمت‌گیری‌ها و رفتارهای اجتماعی را تعیین و صورت‌بندی می‌کند، نمونه‌ی روشنی از قطعیت‌ورزی در باورها و اندیشه‌هاست. زندگی سرگردان و گویا فاقد محوری که در کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی «پست‌مدرن» نام گرفته است، با حوادث چند سال اخیر در فرانسه، آمریکا و دیگر جاها اکنون در حال دست دادن سيطرة‌ی خود بر دید و جهان انسان‌هاست. شکل جدیدی از توتالیتریزم در پوشش حرکت‌های بنیادگرایانه از یک سو، و رویکرد سرکوب‌گرانه‌ی دولت‌ها از سوی دیگر، در حال ظهور است که اینک چهره‌ی واقع‌نمایی از دور دیگری از خطرها و تلخی‌ها را به نمایش می‌گذارد.

بنابراین، مجموع این عوامل موجی را شکل می‌دهد که هر چند با شدت و ضعف‌هایی نظر به وضعیت و موقعیت، روح انسان‌های امروزی را به گروگان گرفته است. از این رو، حکم صادر کردن در خصوص این‌که کدام یک از کشورها بهترین فرصت‌ها را در اختیار دید و عمل تمامیت‌خواهانه و قطعیت‌ورزانه در سوبه‌های متفاوت آن از بنیادگرایی اسلامی گرفته تا نژادگرایی و سیاست‌های سراسرین و سلطه‌گرا قرار می‌دهد، کار آن‌قدرها ساده‌ی نیست. کشورهایی که طبق ادبیات سیاسی سرمایه‌داری مربوط «جهان سوم» می‌شوند، ظاهراً بیشتر از جاهای دیگر درگیر اشکال قطعیت‌باوری و بنیادگرایی‌اند. حقیقت اما این است که ریشه‌ی اکثر حرکت‌ها و رخدادهایی که می‌توان از آن‌ها به‌مثابه‌ی نشانه‌های تباهی قطعیت‌باوری یاد کرد، در آن‌جاهاست که جهان اول و یا کشورهای توسعه‌یافته را شکل می‌دهند و دولت‌های‌شان همراه با نوعی از احساس مسئولیت در ظاهر، جهت سرکوب و نابودی آن حرکت‌ها و پس‌زمینه‌ی رخدادها برای خود حق می‌توانند. با این وجود اما، وجود اساس یا نهاد سخت و صلبی که به سیاست‌ها مجال این را می‌دهد که سلطه‌ی خودشان را با ایجاد و تقویت حرکت‌های واپس‌گرایانه و تاریک تضمین بکنند را نمی‌توان در فرهنگ‌ها و باورهای به‌شدت سنتی نیاید گرفت. حقیقت مسلم‌تر اما این است که دنیای سرمایه‌داری و لیبرالیسم، امروزه همان‌قدر در خطر بیچارگی قرار دارند که بخش‌های بدبخت یا به تعبیر غلط‌انداز و مبهم مارکسیستی-امپریالیستی، کشورهای جهان سوم قرار دارند. خیزش تازه‌ی باور و رویکرد فاجعه‌بار، می‌تواند به یک اندازه غرب و شرق را زمین‌گیر کند.

افغانستان می‌تواند منحیت یک استعاره، نمونه‌ی روشنی

چهل‌کده

■ سخیداد هاتفا

این همان دیو محبوب است

باز در سلسله‌ی کشتار هزاره‌ها خبر آمد که سیزده هزاره‌ی دیگر در ولسوالی تاله و برفک تیرباران شدند.

تردید ی باید نمانده باشد که کنش‌های نفرت‌آلود برخاسته از کین نژادپرستانه، در افغانستان شایع‌تر از هر جای دیگری است. به بیانی دیگر، در این ملک کمتر محرکی چون دعوت به نژادپرستی و کنش‌های قبیله‌گرایانه افراد را بسیج می‌کند و بر سر غیرت می‌آورد. هزاره‌های افغانستان در تمام تاریخ زیست خود در افغانستان آماج این نفرت نژادی و قبیله‌ی بوده‌اند.

اما خطاست اگر گمان کنیم که گرایش‌های نیرومند قبیله‌گرایانه یا نژادپرستانه به‌تنهایی در این زمینه روزگار هزاره‌های افغانستان و جاهای دیگر دنیا را سیاه کرده‌اند. هرچند نژادپرستی پدیده‌ی سخت‌جانی است و می‌تواند برای نسل‌ها بر پای خود بایستد (مخصوصاً اگر سوژه‌ها یا قربانیان نژادپرستی نیز به نژادپرستی متقابل متصل شوند)؛ ولی بر پا نگه داشتن نژادپرستی بی‌مدد یک روایت توجیه‌کننده‌ی که فراتر از خود نژادپرستی برود، بسیار دشوار است. آنچه نژادپرستی را سهل می‌سازد و تداوم می‌بخشد، غالباً یک چارچوب روایی ایدئولوژیک است که موادش این جهانی و قابل آزمون نباشد. آن چارچوب ایدئولوژیک آزمون‌ناپذیر را دین یا باور مذهبی فراهم می‌کند. به این شرح:

اگر من کنش‌ها و رویکردهای نژادپرستانه‌ام را تنها بر توجیهات آزمون‌ناپذیر و روزمره‌ی این جهانی بنا کنم، دیر یا زود توجیه کم خواهم آورد. چرا که نژادپرستی در برابر آزمون‌های اجتماعی روزمره ناکام برآمده و تاریخ‌کشورهایی که از این تجربه عبور کرده‌اند نشان می‌دهد که پا به پای تحولات علمی و ارتباطی در این کشورها، نسل‌های جدید این جوامع نژادپرستی را هر روز بیشتر از پیش بی‌منطق و نادرست دیده‌اند و به تدریج از آن عبور کرده‌اند. بنابر این نژادپرستی برای ماندن خود نیاز به یک آبروایت فراجهانی دارد که در سطح معقولات این جهانی جامعه قابل آزمون نباشد و منطق خود را از جایی بگیرد که دست عقل به آن نرسد. آن آبروایت را مذهب یا دین می‌دهد. مولوی‌هایی که هزاره‌ها را افاضی و کافر و کزآیین می‌دانند و همین نگرش را تبلیغ می‌کنند، در واقع به توجیهی برای نژادپرستی متصل می‌شوند که در مناسبات عقلی و علمی جامعه امکان آزمایش ندارند. هیچ‌کس نمی‌تواند به‌صورت عینی این سخن را به تست بگذارد که آیا هزاره‌ها «واقعا» از نظر اسلامی کُزرو و منحرف‌اند یا نه. فقط کافی است تعداد زیادی از افراد جامعه در معرض این تبلیغ مسموم‌کننده قرار بگیرند و آن را بپذیرند. آن‌گاه نژادپرستی محملی از توجیهات مقدس و تغییرناپذیر و آزمون‌گریز می‌یابد و عمرش دراز می‌شود.

آنچه در این میان دردناک‌تر است کمک خود جامعه‌ی هزاره به قوی ماندن این آبروایت فاجعه‌آور است. هزاره‌ها، بی‌آن‌که خود بخواهند یا متوجه‌اش باشند، با تاکید بر حقانیت دین و مذهب خود دقیقاً همان شمشیری را بر گردن خود نگه می‌دارند که هر روز از آنان قربانی تازه می‌گیرد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

hussainjoya2014@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل:

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



گزارش دستگاه اطلاعاتی امریکا:

پوتین شخصاً دستور دخالت در انتخابات ۲۰۱۶ را صادر کرده بود

روسیه نیز تا کنون اتهام تلاش برای دخالت در انتخابات ریاست جمهوری اخیر امریکا را رد کرده است.

رییس جمهوری منتخب ایالات متحده پس از این دیدار که در نیویورک انجام شد، با اشاره به این که روسیه، چین و دیگر کشورها و برخی گروه‌ها در خارج از کشور همواره در پی نفوذ به زیرساخت‌های کامپیوتری امریکا از جمله کمیته ملی حزب دموکرات هستند، گفت با این حال قطعاً هیچگونه تأثیری در نتیجه انتخابات امریکا نداشته‌اند.

روابط بین واشنگتن و مسکو - که بر سر برخی مسائل مانند دخالت روسیه در بحران اوکراین و حمایت از جدایی طلبان آن کشور و الحاق شبه جزیره کریمه به خاک خود و همچنین حمایت از بشار اسد، رییس جمهور سوریه با یکدیگر اختلافات اساسی دارند - در ماه‌های اخیر به پائین ترین سطح از پایان جنگ سرد به این سو رسیده است.

اوباما رییس جمهور کنونی و دونالد ترامپ رییس جمهور منتخب امریکا منتشر شد، آمده است که پوتین دستور آغاز کمپاین تأثیرگذاری بر انتخابات پائیز گذشته را صادر کرده است. خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز در همین زمینه نوشته، بر اساس بخش‌هایی از این گزارش جامع اطلاعاتی که از طبقه خارج شده است، روسیه هنوز از تلاش برای نفوذ در سیاست و روند تصمیم‌گیری ایالات متحده دست بر نداشته است؛ که این کار را برای دونالد ترامپ، رییس جمهوری جدید امریکا مشکل تر می‌کند. آقای ترامپ تاکنون ارزیابی‌های اطلاعاتی امریکا را در مورد نقش روسیه در انتخابات سال گذشته، که او موفق شد هیلاری کلینتون نامزد حزب دموکرات را شکست دهد، نپذیرفته است. او با وجود «سازنده» خواندن دیدار روز جمعه خود با مدیران ارشد اطلاعاتی، از ذکر صریح این که آیا این ارزیابی‌ها را پذیرفته یا خیر، خودداری کرد.

اطلاعات روز: بر اساس گزارش دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده امریکا درباره عملیات روسیه برای تأثیر گذاشتن در روند انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ این کشور، که بخش‌هایی از آن جمعه‌شب از طبقه‌بندی خارج و به انتشار عمومی رسید، ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه شخصاً دستور عملیات را صادر کرده است.

به نقل از صدای امریکا، بر اساس ارزیابی‌های جامعه اطلاعاتی امریکا، اهداف مسکو از این عملیات تضعیف باور عمومی به روند دموکراسی جامعه امریکا، بدنام کردن هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق، دشوار کردن مسیر پیروزی برای او و تحت تأثیر قرار دادن ریاست جمهوری در صورت پیروزی او در انتخابات بوده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، در این بخش از گزارش که پس از نشست مدیران اطلاعاتی امریکا در سنا، و ارائه آن به باراک

بگو مگو ان facebook

Dawlat Dawlatyar



صنعت نسل کشی در افغانستان!

دیروز ۱۳ انسان هزاره را که همه کارگران یک معدن بودند، آدم خواران بی‌رحمی کشتند. این سلسله کشتارها هم به لحاظ مضمون و هم به لحاظ منطق و هم به لحاظ شکل با سایر قتل و کشتارهای تصادفی و یا مقطعی ناشی از جنگ در سایر مناطق افغانستان فرق دارد.

کشتار هزاره‌ها به معنای واقعی کلمه در درون صنعت نسل کشی در جامعه افغانستان قابل فهم است. صنعت نسل کشی هزاره‌ها فقط با وضعیت استثنایی هزاره‌ها معنا دار می‌شود.

نظریه وضعیت استثنایی هزاره‌ها (۱۱) گویاترین و دقیق‌ترین نظریه ی است که معنا و واقعیت هزاره‌ستیزی، هزاره کشی و انسانیت‌زدایی از هزاره‌ها را هم‌رسانی می‌کند. ساده لوحانه است اگر این کشتارها را فقط به بی‌کفایتی حکومت اشرف غنی و اتمر و یا حتی به تعدد آن‌ها نسبت به سیاست هزاره‌ها و هزاره کشی فروکاست دهیم چنانچه به کزری نسبت داده می‌شود. اگر این طوری پایین رویم به ملاعمر و قتل عام‌های دهه هفتاد و ... تا به استبداد نادر خان و نسل کشی وحشتناک زمان عبدالرحمن می‌رسیم.

ریشه هزاره‌ها و هزاره کشی و رواج یافتن و مشروعیت یافتن کشتن انسان هزاره و قباحت‌زدایی از رنج بی‌پایان انسان هزاره ریشه در فرهنگ رسمی و تاریخ رسمی افغانستان دارد که خود محصول برساخت قدرت رسمی است.

در چهارچوب مشروعیت قدرت رسمی و تاریخ رسمی افغانستان یک نقطه کانونی است و آن نقطه کانونی حذف انسان هزاره از حضور رسمی در تاریخ رسمی و مناسبات واقعی در فرهنگ و جامعه افغانستان است. به همین خاطر هزاره کشی و عادی شدن کشتار هزاره‌ها در افغانستان با رابطه متقابل مشروعیت رسمی قدرت سیاسی و اعمال و تصرف قدرت سیاسی باز تولید می‌شود. این نگاه به انسان هزاره به لحاظ روان‌شناختی نفرت از انسان هزاره را خلق کرده است. به لحاظ اخلاقی عادی شدن کشتار و تبعیض بر ضد هزاره‌ها را در پی داشته است و به لحاظ معرفتی پرسش و اعتراض نسبت به نگرش و سیاست هزاره کشی را ایدئولوژیک کرده است. به همین خاطر به محض این‌که از جنایت و نسل کشی و تبعیض بر ضد هزاره سخن می‌گوییم و اعتراض می‌کنیم، داد و فغان همه بلند می‌شود که این‌ها زیاده خواهی می‌کنند، قوم‌گرایی می‌کنند، قبیله‌پرستی می‌کنند و حتی از سوی بسیاری از روشنفکران سطحی‌نگر و ساده لوح متهم به عدالت قومی می‌شویم. در حالی که کاملاً بر عکس تا زمانی که مسأله هزاره کشی و هزاره‌ها در دست فهمیده نشود هرگونه سخن گفتن از عدالت در چهارچوب ناسیونالیسم مدنی و حقوق بشر و دموکراسی نه تنها بی‌معنا و مضحک است بلکه در واقع انکار کردن و پوشاندن حقیقت حذف هزاره و نفرت از هزاره در کلیت فرهنگ و ذهنیت مردم افغانستان است.

فهم صنعت نسل کشی هزاره فقط با فرا رفتن از آگاهی رسمی ممکن می‌شود که اکثریت به اصطلاح روشنفکران و یا مردم افغانستان در کل توان آن را ندارند. از همین رو است که هیچ واکنش مؤثر و مستقیم و صریح و پیوسته از سوی سایر اقوام نسبت به نسل کشی و یا تبعیض پنهان و آشکار بر ضد هزاره‌ها، نه تنها صورت نمی‌گیرد بلکه در قالب‌های مختلف تأیید هم می‌شود.

این آگاهی رسمی به حد بُت‌واره شده است که حتی خود هزاره‌ها اعم از بی‌سواد و یا سواد مسأله اصلی نسل کشی و قتل عام شدن شان را درک نکرده‌اند و یک عده از روی نفهمی مسأله و طرح گفتار قومی تبعیض و جنایت بر ضد هزاره‌ها را قبیله‌گرایی تصور کرده و از عدالت خیالی ناسیونالیسم مدنی سخن می‌گویند و یک عده از روی نادانی، به قبیله‌گرایی کورکورانه و دفاع از هزاره به قیمت نفرت از دیگران می‌پردازند که هر دو ریشه در جهل دارد.

دفاع از هزاره فقط در چهارچوب دفاع از هویت انسانی ممکن است. زیرا تبعیض بر ضد هزاره، ریشه در انسانیت‌زدایی از انسان هزاره دارد.

عدالت خواستن با هویت قومی و صرف به‌خاطر هزاره بودن خود نشانه‌ی جهل و در واقع استمرار تفکر هزاره‌ستیزی است. موضوع عدالت، قومیت هزاره نیست بلکه انسانیت هزاره است اما این موضوعیت فقط با وضعیت استثنایی قومیت هزاره قابل فهم است. هویت من نه هزاره بلکه انسان ستم‌دیده به‌نام هزاره است. اقوام دیگر ما را به‌خاطر هویت قومی هزاره بودن (هویت قومی محض) درک نه کنند بلکه به‌خاطر هویت رنج دیدگی و ستم‌دیدگی مان به عنوان انسان به رسمیت بشناسند. هزاره‌ها نیز باید بدانند که تنها با منطق هویت انسانی و طرح یک آرمان اخلاقی است که می‌توانند که سایر ستم‌دیدگان را با خود همسو کرده و یا کلاً ذهنیت اجتماعی و فرهنگی هزاره‌ستیزی را به چالش کشیده و وارد گفتار حوزه عمومی کرده و برای تغییر و محو آن در راستای احیای انسانیت در افغانستان به‌طور جمعی اقدام کنند.

پن

(۱۱) نظریه وضعیت استثنایی هزاره‌ها را برای اولین بار جامعه شناس و متفکر بزرگ و پژوهشگر ژرف نگر آقای دهقان زهما استاد دانشگاه در آلمان در نقد ناسیونالیسم افغانی به کار برده است و من این اصطلاح را با برداشت خودم از ایشان وام گرفته‌ام.

تانک‌های امریکایی برای استقرار در مرزهای ناتو با روسیه وارد آلمان شدند

ارتش ایالات متحده گفته است چنین کاری تعهد امریکا به ناتو را نشان می‌دهد. او گفته است امریکا در کنار شرکای خود در پیمان ناتو ایستاده است.

نیروهای جدید امریکا ابتدا در لهستان مستقر خواهند شد و سپس به کشورهای مانند استونی، بلغارستان و رومانی خواهند رفت.

به غیر از امریکا، سایر کشورهای ناتو نیز در حال تقویت حضور خود در اروپای شرقی هستند.

بریتانیا جنگنده‌های خود را به مناطق اطراف دریای سیاه فرستاده و قرار است تانک و نیرو در بهار امسال در استونی مستقر کند. نیروهای فرانسوی و دانمارکی نیز در این کشور مستقر خواهند شد.

آلمان هم قرار است نیرو و تجهیزات نظامی به لیتوانی بفرستد.

لهستان و جمهوری‌های بالتیک مستقر شوند تا به نگرانی‌ها از اقدام احتمالی خصمانه‌ی روسیه پایان دهند.

لیتوانی، لتونی و استونی، سه جمهوری بالتیک قبلاً عضو شورای سابق بودند اما پس از استقلال در سال ۱۹۹۱، به تدریج به عضویت اتحادیه‌ی اروپا و پیمان ناتو در آمدند.

نزدیکی لیتوانی به کالینینگراد باعث شده تا مقام‌های این کشور نگران دخالت احتمالی روسیه باشند. کالینینگراد منطقه‌ی جدا از خاک روسیه واقع در ساحل دریای بالتیک و در میان لهستان و لیتوانی است.

روسیه در این منطقه، موشک‌های بالستیک «اسکندر-ام»، با قابلیت حمل کلاهک هسته‌یی، مستقر کرده است.

جنرال تیم مک‌گوایر، معاون فرماندهی اروپایی

اطلاعات روز: هزاران تانک و موتر زرهی امریکا وارد بندر برمهافن آلمان شده‌اند تا در مرزهای شرقی ناتو با روسیه مستقر شوند.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، ۳۵۰۰ هزار سرباز امریکایی به همراه این تجهیزات نظامی اعزام شده‌اند. این بزرگ‌ترین میزان ارسال نیرو و تجهیزات امریکایی به اروپا از زمان سقوط شوروی سابق و پایان جنگ سرد خوانده شده است.

امریکا گفته است چنین کاری در پاسخ به اقدام‌های روسیه در اوکراین و نگرانی کشورهای اروپای شرقی صورت می‌گیرد.

اما شماری از سیاستمداران آلمان از اعزام این نیروها و تجهیزات انتقاد کرده و گفته‌اند چنین کاری باعث افزایش تنش‌ها با روسیه خواهد شد. قرار است این تانک‌ها در مناطق مختلف آلمان،

ادامه‌ی تحقیق پولیس امریکا

در مورد حادثه‌ی تیراندازی مرگبار در فرودگاه فلوریدا

برای پاسخ‌گویی مسئول این حادثه، هر کسی که باشد، به کار خواهیم گرفت.» فرماندار ایالت فلوریدا همچنین از تماس خود با باراک اوباما، رییس جمهور امریکا و همچنین دونالد ترامپ، رییس جمهور منتخب این کشور در مورد این حادثه خبر داد.

شمار مجروحان حادثه تیراندازی روز شنبه در قسمت تحویل بار فرودگاه فورت لودردل هشت نفر اعلام شده است.

انتظار می‌رود فرد مظنون به انجام این تیراندازی روز دوشنبه در دادگاه حاضر شود.

و در عراق نیز خدمت کرده است. او سال گذشته به دلیل عملکرد نامطلوب خود از گارد ملی امریکا اخراج شد.

ریک اسکات، فرماندار ایالت فلوریدا می‌گوید: «روز دشواری برای ایالت‌مان بود. به وضوح اقدامی ابلهانه و شیطانی رخ داد. به گفته‌ی مأموران اجرای قانون، پنج نفر جانشان را از دست دادند. همچنان افرادی هستند که بین مرگ و زندگی به سر می‌برند. آنچه برای من اهمیت دارد این است که ما هرگز چنین مسائلی را در ایالت مان تحمل نخواهیم کرد. تمام توان‌مان را

اطلاعات روز: تحقیق پولیس امریکا در مورد حادثه‌ی تیراندازی مرگبار در فرودگاه فورت لودردل ایالت فلوریدا و استبان سانتیاگو، فرد مظنون به انجام این تیراندازی ادامه دارد.

به نقل از یورو نیوز، مقامات ایالت فلوریدا استبان سانتیاگو را ۲۶ ساله و اهل ایالت آلاسکای امریکا معرفی کرده‌اند. برادر فرد مظنون به تیراندازی روز شنبه می‌گوید استبان سانتیاگو اخیراً تحت روان درمانی بوده است.

استبان سانتیاگو عضو گارد ملی امریکا بوده

دست کم ۴۰ نفر در انفجاری

در شهر اعزاز سوریه در نزدیک مرز ترکیه کشته شدند

گروه زیادی از پناهجویانی چند هفته پیش از حلب به این شهر پناه بردند.

انفجار در نزدیکی دمشق

بر اساس گزارش‌ها، در انفجار دیگری در نزدیکی شهر دمشق، پایتخت سوریه، دست کم ۹ نفر از جمله هفت سرباز دولت سوریه، کشته شده‌اند.

گفته می‌شود، رویداد در منطقه‌ی «وادی بردی» اتفاق افتاد، جایی که آب شهری پایتخت از آنجا توزیع می‌شود. وادی بردی در کوه‌های شمال شرقی دمشق است.

دولت سوریه، گروه فتح شام یا جبهه‌ی نصرت سابق را متهم کرده است که باعث قطع آب آشامیدنی دمشق شده است.

خبرگزاری‌ها گزارش داده‌اند که انفجار در یکی از مراکز خرید شلوغ شهر اتفاق افتاده و بیشتر کشته‌شدگان غیرنظامی هستند.

مردم محلی، گروه موسوم به دولت اسلامی یا داعش را عامل این حمله می‌دانند چرا که آنان در تلاش برای تصرف این شهر بوده‌اند. گروه «مرکز رسانه‌یی حلب»، نزدیک به مخالفان دولت سوریه، گزارش داده که یک موتوری بمبگذاری شده عامل انفجار بوده است.

شهر اعزاز مدتی برای چند ماه در کنترل گروه موسوم به دولت اسلامی یا داعش بود و بعدها به دست شورشیان مورد حمایت ترکیه افتاد.

اطلاعات روز: بر اساس گزارش‌ها، دست کم ۴۰ نفر در یک انفجار عظیم در شهر اعزاز، در شمال ولایت حلب در سوریه، و هفت کیلومتری مرز ترکیه کشته شده‌اند.

گزارش شده که یک موتوری حامل سوخت عامل این انفجار مهیب بوده است.

به نقل از بی‌بی‌سی، مرکز «دیدبان حقوق بشر سوریه» مستقر در بریتانیا شمار کشته‌ها را «دست کم ۴۳ نفر» گزارش کرده است. ده‌ها نفر دیگر زخمی شده‌اند.

شهر اعزاز در شمال سوریه، در کنترل شورشیان مخالف دولت است و از نقاط حساس در مسیر رساندن تدارکات به شورشیان محسوب می‌شود.

ونگر:

قرض دادن ویلشر کار درستی بود

«بله، می‌توانستم حالا از او استفاده کنم. اما اگر او تا به حال بازی نکرده بود، مطمئنا آماده بازی کردن هم نبود. آنچه ناعادلانه به نظر می‌رسد این است که می‌دانید در مقطعی از فصل به بازیکنانی نیاز پیدا می‌کنید اما در ابتدای فصل نیاز دارید تا بین تعداد بازی‌ها و تعداد بازیکنان و فرصتی که برای بازی پیدا می‌کنند، تعادل ایجاد کنید. بنابراین همچنان فکر می‌کنم قرض دادن او به بورنموث تصمیم درستی بود.»

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال، تأیید کرد که اگر جک ویلشر در حال حاضر در تیمش حضور داشت، از او استفاده می‌کرد. ویلشر در این فصل به طور قرضی راهی بورنموث شد و نمایش‌های خوبی در ترکیب این تیم ارائه داد. در حالی که آرسنال در حال حاضر سانتی کاسورل و فرانسیس کولکن را به دلیل مصدومیت در اختیار ندارد. ونگر در پاسخ به این‌که اگر ویلشر همچنان در آرسنال بود، از او استفاده می‌کرد یا نه، گفت:

چیچاریتو مشکلی با هم تیمی‌هایش ندارد

شایعات را رد کرد. او به خبرنگاران گفت: «این ادعا که خاویر با هم تیمی‌ها و باشگاه رابطه بدی دارد، دروغ است. دوم این‌که شایعه تمایل باشگاه برای فروش او به ۲۵ میلیون یورو هم درست نیست. همه این شایعات را با جمله‌یی که باشگاه به من گفت رد می‌کنم: خاویر فروشی نیست. این گزارش‌ها بد و تعمدی است. این‌ها تنها برای مخدوش کردن تصویر خاویر است. او به ترک لورکوزن فکر نمی‌کند.»

هوینس:

دور تموند امسال هم رقیب بایرن نیست

اغراق آمیزی از دورتموند می‌شد و آن‌ها فکر کردند که می‌توانند امسال بایرن را به سختی تحت فشار قرار دهند. و چه اتفاقی افتاد؟ در کریسمس به جدول نگاه کردند و دیدند که بار دیگر ۱۲ امتیاز با بایرن فاصله دارند.» هوینس همچنین در مورد رابطه‌اش با هانس یواخیم واتسکه، نایب رئیس باشگاه دورتموند گفت: «رابطه من با آقای واتسکه کاملا کاری است. نمی‌توانم تصور کنم که او بخواهد دست در دست من در خیابان قدم بزند. من هم چنین احساسی به او دارم.»

مورینیو:

منچستر یونایتد در بهشت نیست

هستند. همه یکدیگر را بغل می‌کنند و هم‌دیگر را می‌بوسند. وقتی بد نتیجه می‌گیرید، تمایلی طبیعی برای تأخیر به وجود می‌آید و گاهی همه چیز از هم گسیخته می‌شود و راه برگشتی نیست اما ما آرامش مان را حفظ کردیم. ما در جهنم نبودیم و حالا هم شرایط بانبات شده، در بهشت نیستیم.» مورینیو همچنین تأکید کرد در دوره‌یی که تیمش خوب نتیجه نمی‌گرفت، از سوی مدیران باشگاه تحت فشار نبود.

هیئت مدیره همیشه به من می‌گفت که تو سه سال این‌جا هستی و به کارت ادامه بده. نتایج بد نظر ما برای حفظ تو در این‌جا را تغییر نمی‌دهد. فکر می‌کنم این رابطه می‌تواند برای مدت طولانی ادامه پیدا کند زیرا براساس نتایج خوب پایه‌ریزی نشده است. براساس واقعاً بنا شده و چیزی که هر روز می‌بینیم.»

اطلاع‌رسانی

یکشنبه | ۱۹ جدی، ۱۳۹۵
سال ششم | شماره ۱۲۲۱

زیدان: ۴ توپ طلا برای رونالدو کم است

زین الدین زیدان در پایان بازی با گرانادا که به برتری ۵-۰ کهنشانی‌ها ختم شد به تجسید از کریستیانو رونالدو پرداخت. زیدان گفت: «کسب چنین بردی ساده نیست. قدرتمندانه وارد زمین شدیم و پی در پی نیز گول زدیم. پس از زدن ۴ گول، مسلم است که کارها ساده‌تر می‌شوند. گول زود هنگام به ما کمک زیادی کرد چون برابر یک تیم بسیار دفاعی بازی داشتیم. کاری که بازیکنانم کردند، هرگز ساده نبود. خوشحالم و باید به همین روند ادامه دهیم. امروز هیچ شوتی به دروازه ما زده نشد که این نشان از بازی جدی و اتحاد بین بازیکنان ما دارد. وقتی در یک نیمه ۴ گول می‌زنید، همیشه نیمه دوم سخت‌تر خواهد شد؛ چون امکان کاهش انگیزه در بازیکنان وجود دارد. گول نخوردن همیشه خوب است ولی در کوپا دل ری اهمیت بیشتری دارد. امیدوارم کلین شیت‌ها ادامه دار باشد.»

رونالدو و ۴ توپ طلا: «معتقدم ۴ توپ طلا برای او کم است و شاید رونالدو باید تعداد بیشتری توپ طلا می‌داشت. او بیش از همه ما برنده این جایزه شده و شایسته‌اش نیز بوده است. وقتی فوتبال رونالدو تمام شود، متوجه اهمیت کاری که او کرده خواهیم شد. به خاطر او خوشحالم. در تجلیل از او، من و دیگر ستاره‌های سابق رئال که کنارش بودیم، حداکثر دو توپ طلا داشتیم و واقعا کسب ۴ توپ طلا یک کار خارق‌العاده بوده که رونالدو انجام داده است.»

رسیدن به رکورد ۳۹ بازی بدون باخت بارسا: «این نشانه تلاش و اتحاد جمعی است. بدون همکاری بازیکنان، رسیدن به این رکورد ممکن نبود. در هر مسابقه بازیکنان با تمرکز و قدرت فوق‌العاده بالا حاضر می‌شوند.»

مقایسه تیم کهنشانی ۱ با رئال فعلی: «از مقایسه کردن خوشم نمی‌آید. تیم ما بازیکنان بزرگی داشت مثل تیم فعلی. رئال همیشه بهترین‌ها را در اختیار داشته است.»

بازی برگشت با سویا در کوپا دل ری: «مطمئنم که بازی دشواری خواهد بود و با وجود پیروزی ۳-۰ در بازی رفت، برای صعود باید سختی بکشیم.»

مخالفت انریکه با

اعتراضات پیکه به داوری

جرارد پیکه پس از داوری جنجالی دیدار بلبائو و بارسلونا به شدت به داوران فوتبال اسپانیا تاخته بود. پیکه معتقد است که در اسپانیا داوران بیشتر به سود رئال سوت می‌زنند و بارسلونا از داوری بیش از رئالی‌ها ضربه دیده است. لوئیس انریکه، سرمربی بارسا که در نشست خبری بازی با ویارئال شرکت کرده بود در همین رابطه گفت: «من همیشه سعی کرده‌ام علیه داوری حرف نزنم؛ چون شغل دشواری است. تصمیم‌گیری در ۱۰ ثانیه کار بسیار پیچیده‌یی است و به همین دلیل معتقدم نباید کار را برای‌شان مشکل کنیم. این پیام من به همه است. دیدگاه من همیشه همین بوده و همین هم باقی خواهد ماند. خیلی دوست دارم با ورود تکنولوژی به فوتبال، به داوران نیز در تصمیم‌گیری کمک شود. تکنولوژی روی ضربه‌یی که آدوریس به اومتیتی زد و داور ندید می‌توانست بسیار کمک کند.»

ویارئال: «بازی بسیار دشوار و خطرناکی پیش رو داریم. ویارئال کمترین گول را دریافت کرده و در همه خطوط تیمی منسجم است. هدف ما در بازی فردا کسب سه امتیاز است. بدون توجه به شکست مقابل بلبائو خودمان را برای مصاف با ویارئال آماده کرده‌ایم. معتقدم حق ما مقابل بلبائو شکست نبود و به غیر از نتیجه، از روند بازی و تلاش بازیکنانم راضی هستیم. موقعیت‌های گول زیادی خلق کردیم و بدچانسی باعث شکست مان شد.»

زلاتان: خودم را یک حیوان می‌بینم



زلاتان ابراهیموویچ، ستاره منچستر یونایتد، اعلام کرد که خودش را یک حیوان می‌بیند که مانند بازیکنان معمولی نیاز به استراحت ندارد. این مهاجم با تجربه که در تابستان به منچستر یونایتد پیوست، با زدن ۱۳ گول در ۱۹ دیدار، دومین گولزن برتر این فصل لیگ جزیره است. مورینیو به تازگی اعلام کرد علی‌رغم سن زلاتان، قصد ندارد به او در بعضی بازی‌ها استراحت بدهد و اکنون این ستاره سوئدی هم تأکید کرد شرایط تمرینی در الدترافورد به او کمک می‌کند تا در بهترین شرایط بدنی بماند. او به خبرنگاران گفت: «احساس خوبی دارم. احساس می‌کنم در

فرم خوبی هستم. از زمانی که به این‌جا آمدم، سرمربی برنامه تمرینی خوبی برایم در نظر گرفت. این تمرینات با شرایط فیزیکی من تطبیق دارد و می‌توانم در هر دیدار بازی کنم. من ترکیب بین تمرین، ریکاوری و بازی را متفاوت انجام می‌دهم و او این شرایط را برای من فراهم کرده است. به همین دلیل است که من می‌توانم برای مدت طولانی به این روند ادامه بدهم. وقتی بدنی مانند بدن من داشته باشید، این یک بدن معمولی نیست. مثل این است که شما به یک حیوان نگاه کنید. بدن من همیشه آماده است و به همین دلیل، من خودم را یک حیوان می‌بینم.»

منع شدن لیورپولی‌ها

از عکس گرفتن با هواداران

البته یکی از سخن‌گویان باشگاه به خبرنگاران گفت که مطمئنا بازیکنان به خاطر توقف در خارج از کمپ تمرینی برای دیدار با هوادار جریمه نخواهد شد اما این باشگاه ترجیح می‌دهد که بازیکنان با هواداران نوجوان‌شان در مدارس محلی دیدار کنند و این کودکان در محل امن‌تری از ستاره‌های شان عکس و امضا بگیرند.

باشگاه لیورپول از بازیکنان این تیم خواست تا از عکس گرفتن و امضا دادن به هواداران در خارج از کمپ تمرینی ملوود خودداری کنند. تجمع زیاد در اطراف محل تمرین لیورپول باعث حوادث ناگوار متعددی شده و اکنون باشگاه مرسی سایدی برای اجتناب از تکرار چنین اتفاقی، از بازیکنان خواست تا در جاده منتهی به محل تمرین باشگاه توقف نکنند.

ژابی آلونسو:

به فکر خداحافظی از فوتبال نیستم

بستگی خواهد داشت. در حال حاضر چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ ذهنی در آمادگی کامل به سر می‌برم و هیچ مشکلی وجود ندارد.» آلونسو همچنین در مورد جوشا کیمیچ، هافبک جوان بایرن گفت: «کیمیچ بازیکن بسیار باکیفیتی است و این توانایی را دارد که در همه پست‌ها نمایش خوبی از خود ارائه دهد. با استعدادی که او دارد، می‌تواند سال‌های سال برای بایرن بازی کند و من آینده درخشانی برای او متصور هستم.»

ژابی آلونسو، هافبک اسپانیایی و ۳۵ ساله بایرن تأکید کرد که فعلا تمایلی به خداحافظی از عرصه فوتبال ندارد. قرارداد این هافبک مستحکم در پایان فصل جاری به اتمام می‌رسد اما هنوز توافقی برای تمدید آن با سران بایرن انجام نشده است. ژابی آلونسو گفت: «هنوز زمان زیادی تا پایان فصل باقی مانده و هیچ‌گونه ضرب‌الاجلی در این رابطه وجود ندارد. موضوع تمدید قرارداد قطعاً به شرایط من نیز

اینیستا: بازی در خانه بلبائو

همیشه دشوار است

بازی کردن در برابر این تیم در زمین خانگی آن‌ها سخت است. در بازی برگشت و در نیوکمپ باید نمایش بهتری از بازی رفت ارائه دهیم و ببینیم چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. در بازی برگشت باید بتوانیم بازی همیشگی خود را ارائه بدهیم و به نتیجه توجهی نکنیم. بعد از آن خواهیم دید که چه اتفاقاتی در زمین رخ خواهد داد.»

آندرس اینیستا، ستاره ۳۲ ساله بارسلونا تأکید کرد که بارسا در بازی برگشت باید نمایش بهتری از خود ارائه دهد. اینیستا گفت: «این مسائل در فوتبال طبیعی است و در بسیاری از بازی‌ها داور تصمیمات درستی می‌گیرد و گاهی این اتفاق رخ نمی‌دهد. دیدار برابر بلبائو دشوار بود اما ما می‌دانستیم که همیشه

نتیجه‌ی یک نظرسنجی در مورد سیاست خارجی حکومت: مردم نسبت به پاکستان بدبین‌اند

این موضوع را کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند. حدود ۶۶ درصد از پاسخ‌دهندگان تلاش حکومت وحدت ملی برای تامین کمک‌های مالی برای نیروهای امنیتی در نشست وارسا را موثر و ۲۱ درصد آنرا کم‌اثر و بی‌اثر دانسته‌اند.

توسعه‌ی زیربنایی اقتصادی حکومت وحدت ملی طی دو سال گذشته چندین تفاهم‌نامه‌ی ترانزیتی را امضا کرده است. براساس یافته‌های خانه‌ی آزادی، حدود ۸۶ درصد از پاسخ‌دهندگان عقد تفاهم‌نامه مسیره‌های ترانزیتی جدید را عملکردی موثر و حدود ۸ درصد آنرا کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

حدود ۸۱ درصد از اشتراک‌کنندگان این نظرسنجی عملکرد حکومت در جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی را موثر، حدود ۱۱ درصد کم‌اثر و تنها ۳،۴ درصد آنرا بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

براساس یافته‌های خانه‌ی آزادی، حدود ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان بهره‌برداری از بند سلما را اقدام توسعه‌ی موثر و حدود ۱۱ درصد کم‌اثر و تنها ۴،۵ درصد بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

مقایسه‌ی حکومت فعلی با سابق در بخش سیاست خارجی، یافته‌های این ارزیابی نشان می‌دهد که حدود ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان عملکرد حکومت فعلی را نسبت به حکومت سابق بهتر و ۲۷ درصد دیگر بدتر دانسته‌اند. ۲۸ درصد دیگر بر این نظراند که عملکرد حکومت فعلی با حکومت سابق در سیاست خارجی تفاوت نداشته است.

در بخش مبارزه با فساد حدود ۲۹ درصد اشتراک‌کنندگان عملکرد حکومت فعلی در موضوع مبارزه‌ی عملی با فساد با تاسیس مرکز عدلی قضایی را بهتر و ۳۲ درصد دیگر بدتر دانسته‌اند. حدود ۳۵ درصد نیز بر این نظر هستند که تفاوتی در زمینه‌ی مبارزه با فساد وجود نداشته است.

حدود ۳۶ درصد از پاسخ‌دهندگان عملکرد حکومت فعلی در موضع شایسته‌سالاری با جذب نیروهای جوان و تحصیلکرده را بهتر و ۳۳ درصد دیگر بدتر دانسته‌اند. ۲۸ درصد دیگر گفته‌اند تفاوتی در این زمینه دیده نمی‌شود.

این نظرسنجی در ولایت‌های کابل، بلخ، هرات، قندهار، جلال‌آباد و بامیان صورت گرفته است. ۳۰۱۱ نفر، ۵۹ درصد مردان و ۴۰،۹ درصد زنان در این نظرسنجی اشتراک داشته که به‌لحاظ سنی ۶۹،۱ درصد پاسخ‌دهندگان در دوره‌ی سنی بین ۱۸ تا ۳۰ سال قرار دارند. بیشترین پاسخ‌دهندگان افراد دارای مدرک لیسانس هستند.



این نظرسنجی «سیاست خارجی افغانستان» را در پنج حلقه، پاکستان؛ ایران؛ هند؛ چین؛ روسیه؛ کشورهای اسلامی، اروپا و امریکا، مورد بررسی قرار داده است.
در بخش هند، مردم نسبت به تعامل با هند خوشبین تر به نظر می‌رسند و در مجموع نزدیک به ۸۳ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با هند را موثر و تنها حدود ۱۳ درصد کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.
در مورد ایران نیز نتایج این نظرسنجی خوشبین تر است و حدود ۱۸،۲ درصد از پاسخ‌دهندگان تعامل با ایران را کم‌اثر و تنها ۶ درصد بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.
در همین حال ۶۶ درصد پاسخ‌دهندگان میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با چین را مثبت و تنها حدود ۲۳ درصد آنرا کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.
یافته‌های نظرسنجی خانه‌ی آزادی نشان می‌دهد که مردم در مورد تعامل افغانستان با روسیه خوشبین نیستند و حدود ۴۱ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با روسیه را موثر و حدود ۳۲ درصد غیر موثر ارزیابی کرده‌اند، در حالی که ۲۳ درصد در این مورد نظر نداشته‌اند.

موفقیت نیروهای امنیتی در برابر حملات طالبان را موثر (۵۰ درصد کاملاً موثر و ۲۷ درصد نسبتاً موثر) و در مجموع حدود ۱۷ درصد کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

حکومت وحدت ملی در ماه میزان سال جاری توافق‌نامه‌ی صلح با گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان را به امضا رساند. توافقی که همراه بود با واکنش‌های بسیاری. اکنون یافته‌های نظرسنجی خانه‌ی آزادی نشان می‌دهد حدود ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان امضاء توافق‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی را موثر و ۴۵ درصد دیگر کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که حدود ۷۸ درصد از پاسخ‌دهندگان تجهیز نیروهای امنیتی و هوایی را اقدامی موثر و تنها حدود ۱۷ درصد

یعنی حدود ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان این نظرسنجی میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با کشورهای اسلامی را موثر و ۲۵ درصد غیر موثر ارزیابی کرده‌اند. ۵۵ درصد از پاسخ‌دهندگان تعامل با کشورهای اروپایی را موثر و ۲۸ درصد کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند. با توجه به یافته‌های خانه‌ی آزادی، ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با ایالات متحده‌ی امریکا را موثر و ۲۲ درصد کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

جنگ و صلح در این بخش میزان موفقیت نیروهای امنیتی در برابر حملات طالبان مورد بررسی قرار گرفته است. حدود ۷۷ درصد پاسخ‌دهندگان میزان

اطلاعات روز: یافته‌های یک نظرسنجی تازه که سیاست خارجی حکومت وحدت ملی را به بررسی گرفته، نشان می‌دهد که مردم به تعامل حکومت با هند و چین امتیاز مثبت و به تعامل حکومت با پاکستان و روسیه امتیاز منفی داده‌اند. این نظرسنجی به هدف «ارزیابی میزان رضایت‌مندی مردم از عملکرد حکومت وحدت ملی» در شش زون کشور انجام شده و سه حوزه (سیاست خارجی، جنگ و صلح، توسعه‌ی زیربنای اقتصادی و همچنین مقایسه‌ی عملکرد حکومت فعلی با حکومت سابق) را مورد پرسش قرار داده است.

سیاست خارجی یافته‌های نظرسنجی «خانه‌ی آزادی» که دیروز در کابل منتشر شد، نشان می‌دهد که مردم میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با پاکستان را منفی ارزیابی کرده و حدود ۶۳ درصد اشتراک‌کنندگان در این نظرسنجی این تعامل را کم‌اثر و بی‌اثر دانسته‌اند. تنها ۲۵ درصد دیدگاه مثبت داشته‌اند.

این نظرسنجی «سیاست خارجی افغانستان» را در پنج حلقه، پاکستان؛ ایران؛ هند؛ چین؛ روسیه؛ کشورهای اسلامی، اروپا و امریکا، مورد بررسی قرار داده است.

در بخش هند، مردم نسبت به تعامل با هند خوشبین تر به نظر می‌رسند و در مجموع نزدیک به ۸۳ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با هند را موثر و تنها حدود ۱۳ درصد کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

در مورد ایران نیز نتایج این نظرسنجی خوشبین تر است و حدود ۱۸،۲ درصد از پاسخ‌دهندگان تعامل با ایران را کم‌اثر و تنها ۶ درصد بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

در همین حال ۶۶ درصد پاسخ‌دهندگان میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با چین را مثبت و تنها حدود ۲۳ درصد آنرا کم‌اثر و بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند.

یافته‌های نظرسنجی خانه‌ی آزادی نشان می‌دهد که مردم در مورد تعامل افغانستان با روسیه خوشبین نیستند و حدود ۴۱ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان موفقیت حکومت در تامین منافع کشور در تعامل با روسیه را موثر و حدود ۳۲ درصد غیر موثر ارزیابی کرده‌اند، در حالی که ۲۳ درصد در این مورد نظر نداشته‌اند.

براساس یافته‌های این نظرسنجی، مردم در مورد تعامل با کشورهای اسلامی، اروپا و امریکا به دید مثبت می‌نگرند و عملاً راضی به نظر می‌رسند.

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

- مسافرین محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- سهولت انتخاب سیت برای مسافرین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافرین محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافرین گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.